



روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تبدیل؟

پدیدآورده (ها) : نیکزاد، عباس

اطلاع رسانی و کتابداری :: بازتاب اندیشه :: آبان و آذر 1383 - شماره 55 و 56
از 32 تا 44

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/38892>

دانلود شده توسط : رها آسمانی

تاریخ دانلود : 20/08/1393

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تبدیل؟

عباس نیکزاد

کتاب زنان، ش ۲۵، پائیز ۱۳۸۳

چکیده: در این نوشتار، پس از بیان ضرورت بحث، رویکرد منطقی و معتدل از دیدگاه آیات و روایات، در برابر دو دیدگاه سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه بیان می‌شود و حدود و مبنای آن مطرح می‌گردد. بر طبق این رویکرد، معیار در روابط زن و مرد روشی است که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل، شرع و فطرت می‌پسندد و در پایان نوشتار موضوعات اساسی در روابط از قبیل مکالمه و گفت‌وگو، نگاه، پوشش و تماس بدنی، با نگاهی فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مرکز تحقیقات کمپوتر علوم اسلامی

دیدگاه‌های مختلف در مورد ارتباط زن و مرد:

در این رابطه دو دیدگاه مخالف با تفاسیری دوگانه وجود دارد که به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه، به یک اندازه مردود و مخدوش است.

۱. دیدگاه سخت‌گیرانه

مطابق این دیدگاه افراطی، هر نوع ارتباط دختر و پسر و زن و مرد جز در صورت ناچاری ممنوع است؛ زیرا رابطه میان این دو، رابطه آتش و پنبه است. عقل برای دوری از خطر حکم می‌کند که این دو هرچه بیشتر از یکدیگر دور نگه داشته شوند. بر این مبنای هر نوع ارتباط میان دو جنس مخالف، ممکن است باعث جرقه‌ای شود که کنترل آن در اختیار هیچ‌یک از طرفین نباشد. از این گذشته، تأثیرات منفی شنیدن صدای نامحرم و هر نوع مصاحبت با وی، در روح انسان قابل انکار نیست.

دیدگاه مذکور در تأیید صحت مدعای خویش، پاره‌ای از روایات را با تفسیری خاص

بازتاب‌اندیشه ۵۶-۵۵

۳۳

روابط
زن و مرد
از
دیدگاه اسلام،
ترویج، تعطیل،
تبدیل؟

نقل می‌کند که از آن جمله است: در روایتی از حضرت زهرا علیها السلام آمده است: «برای زنان بهتر است که هیچ مردی را نبینند و هیچ مردی نیز آنها را نبیند»^۱.

در نقد و بررسی این دیدگاه، توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف) - بر اساس فتوای بسیاری از فقها، اصل ارتباط و گفت‌وگو، معاشرت و مصاحبت، سلام و احوال‌پرسی میان زن و مرد با رعایت موازین اسلامی ممنوعیتی ندارد. زن و مرد می‌توانند صدای همدیگر را بشنوند؛ ولی اولاً، زن نباید صدای خود را به گونه‌ای ترفیق و تحسین کند که مرد را به گناه بکشاند و ثانیاً، این گفت‌وگو به قصد لذت جنسی صورت نگیرد. شهید مطهری روایاتی را که بر منع حضور زنان در جامعه دلالت دارد، بر توصیه اخلاقی حمل می‌کند، بدین معنا که مردان و زنان از خطرات ارتباط با هم آگاه شوند. سپس می‌گوید: «علت اینکه فقها به مضمون چنین جمله‌هایی فتوا نداده‌اند، ادله قطعی آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام برخلاف مفاد ظاهر این تعبیرات است و به اصطلاح، ظاهر این جمله‌ها "معرض عنه اصحاب" است. بنابراین، این جمله‌ها حمل بر توصیه اخلاقی شده است و ارزش اخلاقی دارد نه فقهی»^۲. در واقع تفسیر صحیح این روایات، مصونیت روابط را شامل می‌شود، نه ممنوعیت را.

ب) - هرچند به هیچ وجه نمی‌توان خطرات ناشی از روابط ناسالم میان دختر و پسر و زن و مرد را دست‌کم تلقی کرد، اما این امر نباید چنان باعث بدبینی گردد که هرگونه ارتباط میان دو جنس مخالف، غیرمجاز و ممنوع تلقی شود و در پاره‌ای از موارد، منافع و مصالحی که در این ارتباط وجود دارد، نادیده گرفته شود. شکی نیست که معاشرت و مصاحبت دو جنس مخالف می‌تواند در پاره‌ای از موارد یکی از لغزشگاه‌های بزرگ به حساب آید. اما آیا می‌توان به این دلیل حتی با رعایت‌های لازم، هرگونه ارتباطی را محکوم کرد.

۲. دیدگاه سهل‌گیرانه

بر اساس این دیدگاه تفریطی، ایجاد هر نوع محدودیت و ممنوعیت در ارتباط میان زن و مرد، باعث برانگیختن حساسیت، افزایش التهاب و اشتیاق آنان می‌شود. انسان بر اساس اصل «الإنسان حریص علی مامع»، وقتی در موردی با منع و محدودیت مواجه می‌شود، نسبت به آن حریص‌تر و کنجکاو‌تر می‌شود. از این رو، بهتر است که نحوه ارتباط دو جنس مخالف

بازتاب اندیشه ۵۶-۵۵

۳۳

روابط

زن و مرد

از

دیدگاه اسلام،

ترویج، تعطیل،

تبدیل؟

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، (ابواب مقدمات النکاح؛ باب ۱۲۹، ح ۳)

۲. شهید مطهری، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، قم ۱۳۷۹ ش، ص ۵۴۸.

همان‌گونه‌ای باشد که دو جنس موافق با هم مرتبط‌اند. از این گذشته، اوضاع حاکم بر جامعه جهانی، جدایی دو جنس مخالف را از هم ناممکن گردانیده است؛ زیرا عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است. همان‌گونه که در این عصر، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفت‌وگو و ارتباط میان هم تن داده‌اند، باید ارتباط و مصاحبت میان همه افراد بشر را، فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب، پذیرفت.

در نقد دیدگاه فوق، توجه به نکات زیر ضروری است:

الف) این نظریه به‌طور کامل با بسیاری از آیات و روایات و فتاوی‌ای فقها ناسازگاری دارد. آیات و روایات متعددی که در باب لزوم رعایت عفاف، حفظ حریم و ممنوعیت اختلاط دو جنس مخالف، حرمت خلوت زن و مرد نامحرم و تبرج و خودآرایی زنان در خارج از خانه آمده است، گویا این است که ساده‌انگاری و تساهل در روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام کاملاً مردود است. توصیه فراوان اسلام به ازدواج و تشویق به آن در راستای حفظ دین نیز گویای این است که از دیدگاه اسلام، دختر و پسر مجرد در معرض خطر جدی قرار دارند. اسلام هرچند ارتباط زن و مرد را با رعایت موازین شرعی مجاز دانسته است، اما به اختلاط‌ها و مصاحبت‌های بی‌جهت روی خوش نشان نداده است. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به نقل برخی از روایات، درب رفت و آمد مردان به مسجدالنبی را از درب رفت و آمد زنان جدا ساختند و فرمودند: «لو ترکنا هذا الباب للنساء»؛ «بهتر است این درب را برای زنان قرار دهیم». برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد دستور فرمودند که مردان از وسط کوچه و زنان از کنار آن رفت و آمد کنند.^۲

ب) این نظریه که می‌گوید ممنوعیت ارتباط و اختلاط، باعث افزایش التهاب‌ها می‌شود و برای مهار کردن غریزه جنسی و کاستن از حساسیت باید هرگونه اختلاطی را مجاز دانست، نه با تجربه و واقعیت‌ها سازگاری، و نه با علم همخوانی دارد. آیا در دنیای غرب که هرگونه اختلاطی مجاز دانسته شد، حرص و آزار جنسی کم شده است و روابط نامشروع و بی‌بند و باری‌های اخلاقی رو به کاهش نهاده است؛ فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل رونق خود را از دست داده‌اند؟ سقط جنین‌ها و تولد فرزندان نامشروع مهار شده است؛ آیا بر روابط نامشروع دو جنس مخالف، روابط نامشروع هم جنس‌بازی افزوده نشده است.

شهید بزرگوار مطهری در این رابطه سخن زیبایی دارد:

بازتاب اندیشه ۵۶-۵۵

۳۳
روابط
زن و مرد
از
دیدگاه اسلام،
ترویج، تعطیل،
تبدیل؟

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

۱. سجستانی، سنن ابو داوود، ج ۱، ص ۱۹.

اشتباه فردید و امثال او در این است که پنداشته‌اند، تنها راه آرام کردن غرایز، ارضا و اشباع آنهاست... اینها چون یک طرف قضیه را خوانده‌اند، توجه نکرده‌اند که همان‌طور که محدودیت و ممنوعیت، غریزه را سرکوب و تولید عقده می‌کند، رها کردن و تسلیم شدن و در معرض تحریکات و تهییجات درآوردن آن، موجب از قاعده خارج شدن آن می‌شود... به عقیده ما برای آرامش غریزه دو چیز لازم است: یکی، ارضاء غریزه در حد حاجت طبیعی و دیگری، جلوگیری از تهییج و تحریک آن. انسان از لحاظ حواجیج طبیعی مانند چاه نفت است که تراکم و تجمع گازهای داخلی آن، خطر انفجار را به وجود می‌آورد. در این صورت، باید گاز آن را خارج کرد و به آتش داد. ولی این آتش را هرگز با طعمه زیاد نمی‌توان سیر کرد... در مورد «انسان حریص علی مامع» باید گفت که انسان به چیزی حرص می‌ورزد که هم از آن ممنوع شود و هم به سوی آن تحریک شود؛ به اصطلاح، تمنای چیزی را در وجود شخص بیدار کنند و آن‌گاه او را از آن ممنوع سازند...^۱

ج) این گفتار که «عصر ما، عصر ارتباطات است و این‌گونه مسائل در دنیای امروز حل شده است»، نوعی مغالطه می‌باشد؛ زیرا اولاً، قرار داشتن در عصر ارتباطات، چه ربطی به نادیده گرفتن مرزها و حریم‌ها دارد. آیا می‌توان به بهانه عصر ارتباطات، آداب و ارزش‌های اخلاقی را زیر پا نهاد و به بهانه برداشتن مرزها در ارتباطات بشر امروز، پرده اتاق یا دیوار میان خانه‌ها را نیز برداشت تا هر کاری که شخص در درون خانه خود انجام می‌دهد، در معرض دید همگان قرار گیرد. ثانیاً، چه کسی باور می‌کند که این‌گونه مسائل در دنیای امروز حل شده است. فحشا، فساد، ابتذال، مجلات ضد اخلاقی، روابط نامشروع اخلاقی، برنامه‌های مستهجن ماهواره‌ای، اینترنتی و... شواهد زنده و گویای فرورفتگی دنیای امروز در منجلاب ابتذال اخلاقی است.

۳. دیدگاه معتدل

اعتدال در روابط زن و مرد آن است که از هرگونه افراط و تفریط پرهیز شود؛ یعنی نه چنان سخت‌گیرانه و تنگ‌نظرانه برخورد شود که در نگاه عرف و عقلا به هیچ‌وجه قابل عمل نباشد و نه چنان سهل‌گیرانه نظر داده شود که باعث پیامدهای ناگوار و منفی گردد. معیار و میزان، ارتباط درست و سالم با حفظ همه حریم‌هاست.

قرآن کریم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد از کلمه «معروف» استفاده کرده است.

۱. شهید مطهری، مسئله حجاب، صص ۴۶۰-۴۶۱.

این واژه ۳۸ مرتبه به کار رفته است که ۱۹ بار آن درباره ارتباط با زنان است. گویی معیار و میزان، «معروف» بودن روابط است. این واژه متضمن هدایت عقلی، حکم شرعی، فضیلت اخلاقی و سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده است، «معروف» همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند؛ البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند.^۱ بر اساس این تعریف، معیار در روابط زن و مرد را باید روشی دانست که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندد. بنابراین، ممکن است یک رابطه در شرایطی پسندیده و در شرایطی دیگر ناپسند باشد، یا برای عده‌ای پسندیده باشد و برای عده‌ای دیگر ناپسند؛ به عنوان مثال، در عرف متشرعه اگر ارتباط دو جنس مخالف در زمینه علمی، دینی یا اجتماعی و سیاسی، و یا جهت گفت‌وگو و تصمیم‌گیری در مسئله ازدواج و آینده زندگی مشترک باشد پسندیده و معروف است. اما اگر مسائل مورد گفت‌وگو، مسائل جنسی و شهوانی باشد، نگاه‌هایی که رد و بدل می‌شود معنادار باشد، حرکات و اطواری که ظرفین نشان می‌دهند، محرک و مهیج باشد، پوشش‌ها نادرست، سبک و جلف باشد، صحبت‌ها بی‌محتوا، بی‌فایده و با خنده‌های بلند و وهن‌آمیز همراه باشد، از منظر عرف متشرعه و عقلا، منکر و ناپسند است؛ یا کسی از جهت ظاهری حد پوشش شرعی را رعایت کند، اما پوشش او تنگ، چسبان و محرک است و یا گفت‌وگوی دختر و پسر در مسائل علمی، فرهنگی، سیاسی یا حتی دینی و قرآنی باشد، اما شیوه سخن گفتن و حرکاتی همراه آن باعث شود که این ارتباط، منکر و ناپسند شمرده شود. از دیدگاه اسلام، ارتباط میان زن و مرد، فی‌نفسه، ممنوعیتی ندارد. طبیعی است در جامعه‌ای که معمولاً نیمی از آن را جنس مرد و نیمی دیگر را جنس زن تشکیل می‌دهد، چاره‌ای جز ارتباط دو جنس مخالف با همدیگر نیست. به تعبیر دیگر، اجتماع مجموعه‌ای از زنان و مردان است و قابل تقسیم به جامعه مردان و جامعه زنان نیست.

از این دیدگاه زن و مرد باید با نگاه به شخصیت انسانی هم که به طور قطع در روابطی سالم خود را نشان می‌دهد، در تعاملات اجتماعی حضور یابند. عایقی مفید و مؤثر به نام هویت انسانی وجود دارد که سبب ایجاد جریانی سالم و آسیب‌ناپذیر در روابط میان زن و مرد می‌شود. بر این مبنا، مرد باید در زیرساخت‌های فکری خویش، تصویر درستی از زن به عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک، باکرامت و با حرمت داشته باشد و زن نیز باید در

بازتاب‌اندیشه ۵۶-۵۵

۳۶

روابط
زن و مرد
از
دیدگاه اسلام،
ترویج، تعطیل،
تبدیل؟

۱. علامه فقیه طباطبایی (ره)، المیزان، طبع ۱۳۶۳ ش، ج ۴، ص ۲۴.

روساخت‌های رفتاری‌اش که وجوه ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می‌سازد، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد. این تنها طریقی است که زن می‌تواند مقام و موقعیت خویش را در برابر مرد حفظ نماید. زن هر اندازه متین‌تر، باوقارتر و عقیف‌تر رفتار کند و خود را در معرض نمایش مرد قرار ندهد، بر حرمت و کرامتش افزوده می‌شود.

از دیدگاه اسلام، روابط زن و مرد نباید به گونه‌ای باشد که تمتعات جنسی در آن سهمی داشته باشد. زیرا تمتعات جنسی منحصرأ در چارچوب زندگی زناشویی مجاز است و کشاندن آن از محیط خانه به اجتماع، موجب تضعیف فعالیت‌های اجتماعی می‌شود و در کنار عوامل دیگر، در کاهش آمار ازدواج، تأثیر مستقیم و به سزایی دارد؛ زیرا در سایه این روابط، ازدواج مانعی برای لذت‌جویی‌های نامحدود و آزاد محسوب می‌شود. معاشرت‌های آزاد و بی‌بند و بار، ازدواج را به صورت یک تکلیف و محدودیت در می‌آورد که باید آن را با توصیه‌های اخلاقی یا حتی با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد. تفاوت جامعه‌ای که روابط جنسی میان زن و مرد را به محیط خانوادگی و در قالب ازدواج سوق می‌دهد با اجتماعی که این روابط را آزاد می‌داند، پایان انتظار و محرومیت در اجتماع اول و آغاز محرومیت و محدودیت در اجتماع دوم است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنها را ملزم می‌سازد که به یکدیگر وفادار باشند، اما در سیستم اسلامی، ازدواج به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌دهد.^۱

مبانی فقهی متعلقات اصلی ارتباط

در راستای تبیین ارتباط درست و پسندیده میان زن و مرد که توأم با حفظ حیاست، لازم است متعلقات یا لوازم اصلی این ارتباط که اعم از گفت‌وگو و مکالمه، پوشش، نگاه و لمس و تماس بدنی است، مورد بحث و بررسی فقهی قرار گیرد.

الف) مکالمه و گفت‌وگو

شرط اصلی در برقراری هرگونه رابطه‌ای، مکالمه و گفت‌وگو است. به گونه‌ای که اگر گفت‌وگو صورت نگیرد، تقریباً ارتباط به صورت بی‌معنا و لغو درمی‌آید. از دیدگاه فقهی و متون دینی، صرف گفت‌وگو میان زن و مرد نامحرم ممنوعیتی ندارد، اعم از اینکه گفت‌وگو درباره مسائل علمی، سیاسی یا درباره مسائل معمولی، عادی و روزمره باشد. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

۱. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۴۳۸.

اقوا این است که شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که با تلذذ و ریبه نباشد، جایز است و نیز برای زن جایز است، در صورتی که خوف فتنه‌ای نباشد، صدای خود را به مردان نامحرم بشنویانند... جمعی به حرام بودن شنیدن صدای زن و شنواندن آن قائل شده‌اند. اما این قول ضعیف است. البته بر زن حرام است که با مردان به گونه مهیج شهوت، گفت‌وگو کند؛ یعنی صدای خود را نازک، لطیف و زیبا کند تا دل‌های بیمار به طمع بیفتند.^۱ صاحب عروة الوثقی نیز به همین معنا فتوا داده است.^۲

ب) پوشش

بر زن واجب است که در هنگام حضور در جامعه و ارتباط با جنس مخالف، خود را بپوشاند. البته پوشش زن در برابر مردان بیگانه، اختصاص به شریعت اسلام ندارد و در میان برخی از ادیان دیگر، چه در گذشته و چه در حال، این امر مطرح بوده و هست. آنچه به عنوان پوشش برای زنان در اسلام مقرر شده است، بدین معنا نیست که آنان را از حضور در اجتماع منع کند؛ بلکه زن باید در معاشرت و ارتباط با مردان خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

استاد مطهری در مورد فلسفه حجاب بیان بسیار رسا و زیبایی دارند:

حقیقت امر این است که در مسئله پوشش، سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان. روح سخن این است که مردان فقط در محیط خانوادگی و به وسیله ازدواج و همراه یک سلسله تعهدات سنگین می‌توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کام‌جویی کنند. اما در محیط اجتماع، استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند، به هر صورت ممنوع می‌باشند. این امر علاوه بر اینکه به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌شود و از جنبه اجتماعی موجب حفظ استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌شود و سبب افزایش ارزش زن در برابر مرد می‌شود.^۳

ج) نگاه

موضوع مهم دیگر در بحث روابط، مسئله نگاه، و پاسخ به این پرسش است که آیا نگاه زن و مرد، نسبت به هم جایز و رواست. اگر جایز است، حدود آن چیست و در صورت حرمت و

۱. امام خمینی رحمته‌الله. ۲. یزدی، بی تا، ج ۲، مسئله ۳۹.

۳. شهید مطهری، مسئله حجاب، ص ۴۳۲ و ۴۳۳ www.noorfmag.org

ممنوعیت، در چه صورت‌هایی استثنا شده است. ملازمه‌ای میان مسئله پوشش و جواز نگاه مطرح نیست. ممکن است پوشش وجه و کفین بر زن واجب نباشد، اما نگاه به آن بر مرد حرام باشد؛ لذا جواز یا عدم جواز نگاه، نیاز به بحث مستقل دارد. حرمت نگاه مرد به زن نامحرم در غیر وجه و کفین، همان‌گونه که در *جواهرالکالم* و *مستمسک العروة الوثقی* آمده است، اجماعی بلکه ضروری مذهب است. اما در مورد حرمت یا عدم حرمت نگاه به وجه و کفین، اختلاف نظر وجود دارد. برخی برای حرمت نظر، به این آیات استشهاد کرده‌اند: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَتُضَوْنَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْنَ اَفْوَاجَهُمْ ... وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ اَفْوَاجَهُنَّ...»^۱ «به مؤمنان بگو چشمان خود را فروگیرند و دامن خود را حفظ کنند و به زنان باایمان بگو چشمان خود را فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند». برخی دیگر از جمله استاد مطهری بر دلالت این آیات بر حرمت نگاه و وجوب ترک نظر خدشه جدی دارند. نکته اصلی از نظر وی این است که میان «غض عین» و «غض بصر» تفاوت وجود دارد. غض عین به معنای چشم‌پوشی، ترک نظر و نادیده گرفتن است؛ اما «غض بصر» به معنای کاستن از شدت نگاه است. بنابراین، آیه بر حرمت نگاه دلالت ندارد؛ بلکه بر حرمت نگاه استقلالی و به تعبیر دیگر بر حرمت نگاه خیره‌خیره و شهوت‌آلود دلالت دارد.

نگاه زن به مرد

آنچه تاکنون ذکر گردید، درباره نگاه مرد به زن بود. اما ظاهر فتوای غالب فقها در مورد نگاه زن به مرد این است که، همانند نگاه مرد به زن، جایز نیست. به تعبیر دیگر، فرقی میان نگاه مرد به زن و زن به مرد نیست؛ یعنی نگاه زن به بدن مرد جز وجه و کفین (چهره و دو دست) حرام است. فرقی که میان زن و مرد وجود دارد، در مسئله پوشش است نه نگاه. یعنی بر زن واجب است که بدن خود را در برابر نامحرم جز وجه و کفین ببوشاند و نیز حرام است که به بدن مرد جز وجه و کفین نگاه کند. اما بر مرد هر چند حرام است که به بدن زن نامحرم - جز وجه و کفین، نگاه کند، اما بر او واجب نیست که بدن خود را، جز عورت، ببوشاند. در *عروة الوثقی* آمده است: «بر مرد جایز نیست که به زن نامحرم و نیز بر زن جایز نیست که به مرد نامحرم جز در صورت ضرورت نگاه کند».^۲ امام خمینی رحمته‌الله هم فرموده است: «برای زن

۱. نور، ۲۴: ۳۱ و ۳۰.

۲. «لا يجوز النظر الى الأجنبية وللمرأة النظر الى الأجنبية من غير ضرورة»، یزدی، بی تا، ج ۲، مسئله ۳۱.

جایز نیست که به مرد نامحرم نگاه کند، همان‌گونه که برای مرد نگاه به زن نامحرم جایز نیست. «اُقرب این است که نگاه به وجه و کفین حرام نیست».^۱

اما به نظر می‌رسد که سیره متشرعه برخلاف این است. میان نگاه زن به مرد و مرد به زن، برخورد یکسانی وجود ندارد و آن سخت‌گیری را که در مورد نگاه مرد به زن دارند، در مورد نگاه زن به مرد نشان نمی‌دهند. برخی از فقها تشابه میان حکم زن و مرد را در مسئله نگاه قبول نکرده‌اند. به عنوان نمونه، آیت الله محمد باقر صدر در تعلیقه خود بر مسئله سوم منهاج الصالحین آیت الله حکیم (ره) می‌فرماید: «اُقرب این است که بر زن حرام نیست که به قسمت‌هایی از بدن مرد که معمولاً در همه زمان‌ها پوشیده نیست، مانند سر و گردن، بدون ریبه نگاه کند».

د) لمس و تماس بدنی

از دیدگاه فقهی، تماس بدنی زنان و مردانی که محارم همدیگر هستند، مجاز است و ممنوعیتی ندارد. اما تماس بدنی زن و مرد نامحرم مجاز نیست. بنابراین، دست دادن زن و مرد نامحرم جایز نیست. امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌نویسد: «هر کس که نگاه به او حرام است، لمس وی نیز حرام است. بنابراین، جایز نیست که زن و مرد نامحرم همدیگر را لمس نمایند. بلکه اگر به جواز نگاه به وجه و کفین قائل شویم، به جواز لمس آن قائل نخواهیم بود. بنابراین، بر مرد جایز نیست که با زن نامحرم دست دهد؛ البته اگر از روی پارچه و لباس باشد، جایز است؛ ولی احتیاط این است که دست او را نفشرد».^۲ البته فقها همان‌گونه که در موارد معالجه یا ضرورت و حاجت و موارد مهم از نظر شارع، نگاه را تجویز می‌کنند، لمس و تماس بدنی را نیز می‌پذیرند.^۳ در روایت ابوبصیر از امام صادق رحمته‌الله علیه آمده است: «آیا مرد با زن نامحرم می‌تواند مصافحه کند. فرمود: نه، مگر از روی لباس».^۴ در روایت دیگری، سماعه از امام صادق رحمته‌الله علیه در

۱. «لا يجوز للمرأة النظر الى الأجنبية كالعكس والأقرب استثناء الوجه والكفين»، امام خمینی، النکاح، ج ۲، مسئله ۱۹.

۲. یزدی، النکاح، بی تا، ج ۲، مسئله ۴۷. «کل من یحرم النظر الیه یحرم متنه، فلا يجوز من الاجنبیه الأجنبي وبالعكس، بل لوقلنا بجواز النظر الى الوجه والكفين من الاجنبیه لم نقل بجواز مسهما فلا يجوز للرجل مصافحتها، نعم لا بأس بها من وراء الثوب لكن لا یغمر كفها احتیاطاً»، امام خمینی، ج ۲، النکاح، مسئله ۲۰.

۳. امام خمینی رحمته‌الله علیه.

۴. «هل یصافح الرجل المرأة لیست بذات محرم؟ فقال (ع) لا الا من وراء الثوب»، حر عاملی، ابواب مقدمات النکاح، ج ۱۴، باب ۱۵، ح ۳.

مورد مصافحه مرد و زن پرسیده است و ایشان فرمودند: «برای مرد جایز نیست که با زن مصافحه کند، مگر اینکه بر او محرم باشد، مانند خواهر، دختر، عمه یا خواهرزاده و امثال آنها. اما زنی که با او محرم نیست، جز از روی لباس و پارچه مصافحه نکند و دستش را نغشرد».^۱

آیت الله خویی (ره) می‌فرماید: «ظاهر این است که حکم حرمت، اختصاص به مصافحه ندارد؛ بلکه هر نوع لمس و تماس بدنی با زن نامحرم حرام است؛ زیرا خصوصیتی در مصافحه نیست و ذکر آن در روایات به این دلیل است که محل ابتلا در خارج است و هم اینکه مصداق روشن تماس بدنی است». مؤید این نکته روایتی است که در بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که ایشان ظرفی را طلب کرده و در آن مقداری آب ریخت و دست راست خود را در آن فرو برد. پس از آن به هر زنی که می‌خواست بیعت کند فرمود که دست خود را همانند او در آب فرو برد.^۲ این عمل پیامبر به این دلیل بوده است که با زنان نامحرم تماس بدنی پیدا نکند. از این گذشته، همان‌گونه که شیخ انصاری (ره) فرموده‌اند: «مقتضای اولویت قطعیه این است که اگر نگاه حرام است، لمس نیز حرام است».^۳

آنچه از مجموع مطالب پیشین استفاده می‌شود این است که اسلام نه طرف‌دار نظریه ضرورت است و نه نظریه تسامح و تساهل. بلکه معیار در روابط، همان «معروف بودن» است. به این معنا که هر رابطه‌ای که در حدود موازین و حدود شرعی باشد و در نگاه عرف، عقلا و متشرعین نیز پسندیده و مقبول واقع شود، از دیدگاه اسلام ممنوعیتی ندارد. به تعبیر دیگر، اسلام در این مورد، مانند بسیاری از موارد دیگر، اصول و ضوابطی را تعیین کرده است؛ اما تشخیص موارد و مصادیق آن را به عرف متشرع و گذار نموده است؛ همان‌گونه که به نظر فقها موسیقی طرب‌انگیز یا موسیقی متناسب با مجلس لهو و لعب و یا پوشیدن لباس شهرت حرام است، اما تشخیص مصادیق آن به عرف و گذار شده است. یا بر اساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۴، هر عقدی لازم الوفاست (البته با رعایت حدود شرعی)؛ اما تشخیص مصادیق عقود به عرف و گذار شده است.

● اشاره

۱. از جمله مباحث اساسی که از دیرباز در جامعه ما مطرح بوده است، مسئله مرزها و

۱. همان، ج ۲.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ابواب مقدمات النکاح، ج ۱۴، باب ۱۱۵، ح ۳.

۳. خویی، النکاح، بی تا، جزء اول، ص ۱۰۴.

۴. مائده: ۵، ۱.

حدود وظایف و تکالیف دینی است. گروهی معتقدند در همه مسائل می‌بایست مرزها را بر اساس وجوب و حرمت تعریف کرد و آنچه را در شرع اسلام حرام یا واجب یا حلال شمرده شده است، بیان نمود و واجبات و محرمات را رعایت کرد و سایر مسائل را در محدوده مجاز و مباح قرار داد. از همین زاویه نگاه، نویسنده در مسئله روابط زن و مرد، محور و مدار بحث را بر این نهاده است که روابط زن و مرد تا چه حدودی و با چه شرایطی جایز یا ممنوع است. اما به نظر می‌رسد برای رشد و تعالی و سالم‌سازی انسان‌ها، بیان مرزهای جایز و ممنوع هرچند لازم است، اما کافی نیست؛ چرا که گاه یک موضوع، هرچند حرام و ممنوع نیست، اما توصیه‌های دینی، جامعه را به ترک آن تشویق می‌نماید. مسئله روابط زن و مرد نیز این‌گونه است. نویسنده، در این مسئله، محور و مدار مطالب خویش را مرزهای ممنوع و غیرممنوع روابط زن و مرد قرار داده است و دیدگاه فقها را مبنی بر اینکه گفت‌وگو و نگاه زن و مرد، ذاتاً، هیچ‌گونه ممنوعیتی ندارد بیان کرده است. در اینجا پرسش اساسی‌ای مطرح است که آیا اصل و قاعده اولیه‌ای در اسلام وجود دارد که بر اینکه رابطه زن و مرد نامحرم می‌بایست همواره در پایین‌ترین حد خود باشد، دلالت کند و چنانچه نیاز و ضرورت ایجاب نکند، بهتر است رابطه‌ای پدید نیاید. به بیان دیگر، آیا در اسلام اصل و قاعده اولیه، بر کاهش روابط زن و مرد است و هر زن و مرد مسلمان باید تلاش کند تا با دیگری کمتر ارتباط داشته باشد، یا آنکه چنین اصلی وجود ندارد.

به نظر می‌رسد اسلام اصل اولیه در روابط زن و مرد را کاهش و تقلیل می‌داند. اسلام معتقد است که به دلیل زمینه‌های تجاذب جنسی که میان زن و مرد وجود دارد، ارتباط این دو در معرض انحراف است؛ هرچند این انحراف در سطح گفت‌وگو و نگاه باشد؛ بدین صورت که هر یک از زن و مرد، در گفت‌وگو و مواجهه با نامحرم، احساسی متفاوت با زمانی دارد که با هم‌جنس خویش گفت‌وگو می‌کند. این تفاوت احساس موجب شده است که اسلام به کاهش رابطه زن و مرد نامحرم توصیه و تنها به موازات لازم و ضروری آن اکتفا کند. روایات فراوانی که در موضوع نگاه و سخن گفتن و ارتباط زن و مرد وارد شده است، دلالت بر این مسئله دارند. از جمله آنها روایت معروفی از حضرت فاطمه زهرا (ع) است: «بهتر است برای زنان که مردان آنها را نبینند و آنان نیز مردان را نبینند». کلمه «خیر» (بهتر) بدین معناست که هرچند ممنوعیت کلی برای نگاه زن و مرد وجود ندارد، اما هرچه روابط و نگاه دو جنس مخالف کمتر باشد، بهتر است. به علاوه، سیره قطعی و مستمر متشرعه، دلالت بر رجحان کاهش ارتباط دارد. شهید مطهری در زمینه اصل و قاعده اولیه در کاهش روابط زن و مرد می‌گوید:

آنچه اسلام دست‌کم به صورت یک امر اخلاقی توصیه می‌کند این است که اجتماع مدنی تا حد ممکن غیرمختلط باشد. جامعه امروز زبان‌های اجتماع مختلط را به چشم خود

می‌بیند. چه لزومی دارد که زنان فعالیت‌های خود را به اصطلاح «دوش به دوش» مردان انجام دهند. آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقضی در فعالیت و راندمان کار آنها رخ می‌دهد.^۱

۲. بیشتر نویسندگان، موضوع روابط زن و مرد را از زاویه فردی و فقه فردی مورد بحث قرار می‌دهند. اما اگر به مسئله آن از دید برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگ‌سازی نگریسته شود، افق و سطح بحث کاملاً متفاوت خواهد بود. در این سطح از بحث می‌باید پرسش را بدین‌گونه مطرح ساخت که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه اسلامی بایستی چه بستر فرهنگی و اجتماعی را در جامعه فراهم سازند. آیا برنامه‌ریزی‌های اجتماعی می‌بایست در راستای کاهش روابط زن و مرد قرار گیرند تا زمینه عادی‌سازی این روابط پدید نیاید؛ یا آنکه اصولاً روابط زن و مرد در تمام سطوح جامعه باید کاملاً عادی، طبیعی و معمولی باشد و باید به همه زنان و مردان توصیه شود که در عین ایجاد رابطه عادی و معمولی با یکدیگر از نگاه شهوت‌آلود و جنسی پرهیزند آیا می‌توان گفت در محیط‌های دانشجویی، اداری و سازمانی و به ویژه میان دختران و پسران جوان و مجرد، که در اوج نیاز جنسی و تمایل به جنس مخالف به سر می‌برند، ارتباط کلامی و نگاه به صورت عادی و طبیعی صورت گیرد و روابط آنان سالم و مشروع باشد، اما در عین حال هیچ‌گونه تمایل به جنس مخالف نداشته باشند. اساساً چنین فرهنگی به چه میزان قابلیت تحقیق خارجی دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد هرچند اصل گفت‌وگو و نگاه دو جنس مخالف به یکدیگر، در چارچوب ضوابط شرعی مجاز می‌باشد و در مواردی که نیاز جامعه و اضطراب اجتماعی ایجاب می‌کند، می‌بایست به این ارتباط تن داد؛ اما نظام اسلامی می‌بایست در دراز مدت به گونه‌ای رفتار کند که ارتباط زن و مرد به ویژه نسل جوان کاهش یابد.

۳. نویسنده، معیار در روابط زن و مرد را معروف قرار داده است و می‌گوید: «اسلام در این مورد، مانند بسیاری از موارد دیگر، اصول و ضوابطی را تعیین کرده است؛ اما تشخیص موارد و مصادیق آن را به عرف متشرعه واگذار نموده است؛ همان‌گونه که به نظر فقها موسیقی مطرب یا موسیقی متناسب با مجلس لهو و لعب و یا پوشیدن لباس شهوت حرام است؛ اما تشخیص مصادیق آن به عرف واگذار شده است».

بر اساس مباحث فقهی و اصولی، رجوع به عرف در تشخیص مصادیق موضوعات است؛ اما در تبیین حد و مرز مفاهیمی که در لسان شرع آمده است، جای مراجعه به عرف نیست. فقیه می‌بایست موضوعات احکام را از حیث مفهومی، با مراجعه به منابع لغوی و روایی روشن سازد و حکم شرعی آن مفهوم را بیان نماید. آنگاه مکلفین، با توجه به مفهوم

بیان شده توسط فقیه، مصادیق خارجی آن مفهوم را تشخیص دهند. فقیه در مسئله «معروف» بایستی حدود مفهوم معروف را به خوبی بیان نماید و لذا نمی‌توان در فهم اینکه معروف یعنی چه و خصوصیات معروف چیست. به عرف رجوع کرد؛ بلکه تشخیص مفهوم معروف، بر عهده متخصصین دینی یعنی فقیهان و اسلام‌شناسان است. آن‌گاه پس از تعیین مفهوم معروف، تشخیص مصادیق آن بر عهده عرف قرار می‌گیرد.



بازتاب اندیشه ۵۶-۵۵

۴۲

روابط

زن و مرد

از

دیدگاه اسلام،

ترویج، تعطیل،

تبدیل؟